

کیهان

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

اموالی که به آنها خمس تعلق می گیرد

س) اگر زرگر، خمس اموال (خود مغازه، طلای موجود در مغازه، پول نقد در حساب بانکی و هر چیزی که در مغازه یا منزل به آن خمس تعلق می‌گیرد) خود را پیردازد متلاً **مجموع سرمایه امسال دویست میلیون تومان شد و چهل میلیون تومان آن را خمس داد، اگر سال بعد سر سال خمسی مجموع سرمایه‌اش سیصد میلیون تومان بشود، باید خمس سیصد میلیون تومان را پیردازد یا فقط صد میلیون اضافه شده را؟**

ج) اموالی که به آنها خمس تعلق می‌گیرد سه گروه هستند: **گروه اول:** سرمایه ثابت، که شامل محل کار یا ابزار کار می‌باشد، مانند مغازه و وسایل موجود در آن. این گروه یک مرتبه که خمسش پرداخت شود تا زمانی که آن را نفروخته دیگر دویست محاسبه خمس قرار نمی‌گیرد و مابالغ‌التفاوت قیمت خرید و فروش در سال فروش جزو درآمد سال بین محسوب می‌شود.

گروه دوم: سرمایه در گردش؛ (کالا‌هایی که برای کسب درآمد مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد)، مانند طلاهایی که موجود در مغازه است و برای معامله خرید و فروش می‌شود، خمس مازاد بر سال گذشته آنها را به قیمت روز محاسبه کند.

گروه سوم: وجه نقد و اموال مصرفی؛ اگر عین وجه مذکور یا مال مصرفی که قبلاً خمسش را داده است موجود است خمس ندارد؛ ولی اگر تغییر کرده و از درآمد ناشی از کسب در بین سال باقی مانده است، باید خمس آن را بپردازد.

سینه‌زنی شور

س) هنگام سینه‌زنی در بعضی هیئت‌های عزاداری اهل بیت و امام حسین(ع) مخصوصاً موقع مداحی شور، برخی افراد در حالتی مثل یایکویی عزاداری می‌کنند، آیا سینه زدن یا عزاداری برای اهل بیت(ع) در این هیئت‌ها جایز است؟

ج) شایسته است مؤمنان از هر کاری که مناسب با مجالس عزاداری حضرت سیدالشهدا و اهل بیت(ع) نمی‌باشد، خودداری کنند و حرکات مذکور هم اگر موجب وهن مراسم عزاداری نشود، اشکال نداشته و سینه زدن در این هیئات هم به نحو متعارف اشکالی ندارد.

لطمه‌زنی در عزاداری

س) آیا لطمه‌زنی در عزاداری امام حسین(ع) جایز است؟
ج) لطمه زدن در عزاداری اگر ضرر قابل توجهی برای بدن داشته باشد و یا موجب وهن مذهب یا مراسم عزاداری معصومین(ع) شود، جایز نیست.

ایجاد محرمیت با شیر دادن

س) اگر خانمی بدون بارداری و با مصرف داروهای هورمونی، به فرزند خوانده خود شیر بدهد، آیا محرمیت حاصل می‌شود؟
ج) محرمیت حاصل نمی‌شود. باید توجه داشت محرمیت صرفاً از شیر دادنی که با بارداری ایجاد شده باشد، (با شرایطی که در رساله‌ها آمده) حاصل می‌شود.

نماز خواندن در وسائل نقلیه

س) آیا خواندن نماز واجب در وسیله نقلیه در حال حرکت، صحیح است؟

ج) در حال اختیار، اگر شرایط نماز (مثل ایستاده خواندن، استقرار در حال نماز و قبله) رعایت شود، صحیح است و در حال اضطراب (مثل تنگی وقت) در هر حال باید نماز خوانده شود و تا حد ممکن شرایط رعایت شود.

مرا به خودم واگذار مکن

یک ذره غجب سبب می‌شود که خدا عنایت خودش را از بنده بگیرد تا بنده عجزش بر خودش ثابت بشود.

ما در دعا‌هایمان می‌خوانیم: «وَ لَا تُکَلِّنی اِلَّا نَفْسِی طَرَفَۃً عِینِ اَبَدًا». انسان در هر مقامی که باشد، همیشه باید به خدا عرض کند: خدایا مرا یک چشم بر هم زدن به خودم واگذار.

ای سَلَمَه می‌گوید: یک شب در دل شب بیدار شدم، دیدم پیغمبر در بستر نیست. یک وقت متوجه شدم در گوشه اتاق مشغول عبادت است. به سخنانش گوش کردم، دیدم می‌گوید: «الهی لَا تُشَمِّتْ بَی عُدُوِّی وَ لَا تُؤْذِنی اِلَّا کُلَّ سَوءِ اسْتَفْذَافَتَی مِنْهُ. وَ لَا تُکَلِّنی اِلَّا نَفْسِی طَرَفَۃً عِینِ اَبَدًا». خدایا مرا به پدّی‌هایی که از آنها رها ندهای برنگردان!

خدایا مرا دشمن م‌شاد فرما!... خدایا مرا یک لحظه، یک چشم به هم زدن به خودم واگذار، یعنی عنایت و لطف خودت را از من بگیر. (این را پیغمبر آخرالزمان می‌گوید)

به این‌جا که رسید، ام سَلَمه بی‌اختیار شروع کرد هق هق گریه کردن و فریاد زد: دعای پیغمبر(ص) که تمام می‌شود می‌فرماید: ام سَلَمه چرا می‌گری؟ عرض می‌کرد: ای رسول‌الله! وقی که شما این سخن را می‌گویید که خدایا مرا یک چشم به هم زدن به خود واگذار، پس وای به حال ما.

نمودم من تعارف کردم، العیاذبالله برای تعلیم تو گفتم، فرمود: البته همین است. برادرم یونس خدا یک لحظه او را به خود واگذاشت و آمد به سرش آنچه آمد.

استاد شهید مطهری، سیری در سیره نبوی، ص۱۳۵

ضرر عالمان بی تفاوت و کج‌اندیش برای اسلام

به اندازه‌ای که ما مسلمین خودمان علیه یکدیگر فعالیت می‌کنیم دشمنان ما علیه ما فعالیت نمی‌کنند.

چندی پیش دیدم یک آقای محترمی اظهار ناراحتی می‌کرد که فلان شخص گفته است هیچ فرق نمی‌کند که فلسطینی‌ها اسرائیلی‌ها را یکشدند یا اسرائیلی‌ها فلسطینی‌ها را یکشدند!

از یک طرف قرآن می‌گوید: «وَالَّذِینَ کَفَرُوا بِعَهْدِهِمْ لِوَآلِیَةِ بَعْضِ الْاَنْفَعَالِوَهُ تَكُنْ فِتْنَةً لِّیْ الْاَرْضِ وَ فِسادٌ کَبِیْرٌ»
او آنان که کافرانند، دوستان و یاران یکدیگرند و اگر شما فرموده بپایند (با اهل ایمان و قطع رابطه با کافران) را به اجرا ننگارید فتنه و فساد ی بزرگ در زمین پیدا خواهد شد. (آل‌انفال/۷۳)

از طرف دیگر ما می‌گوییم اسرائیل که «لَا اِلَهَ اِلاَّهُ» مسلمین است- یعنی مسلمین دشمنی عنودتر و خطرناک‌تر از اسرائیلی‌ها ندارند- هیچ فرق نمی‌کند که آنها فلسطینی‌ها را یک‌یکشدند یا فلسطینی‌ها آنها را! بعد هم می‌خواهیم یک ملت مساعداًندمان باشیم.

من با نشیندن این حرف یاد آن حدیث افتادم. حدیث معروفی است در تفسیر امام عسکری(ع) و از قدیم باید هست.

ما راجع به بعضی از آنهایی که ناشان علماست و در آخرالزمان پیدا می‌شوند می‌فرماید: «هُم اَضَرُّ عِلْمِیْ مَعْتَقَمَ شِیْئَتِیْا مِنْ جِیْشِ یَزِیدَ عَلَی الْخَیْطِینِ بِنِیْ عَلِی(ع) وَ اَضْحَایِهِ»؛ یعنی ضرر اینها بر امت اسلام از لشکر یزید بر حسین بن علی(ع) بیشتر است.

واقعاً هم همین‌طور است.

آدمی که این فکر را در میان مردم تبلیغ بکند، ضررش بر اسلام از لشکر یزید بر امام حسین(ع) کمتر نیست.

استاد شهید مطهری، آشنایی با قرآن، ج۳، ص ۱۹۷

ایمان، حقیقتی عظیم است که کسی که بدان دست یابد به همه حقیقت هستی دست یافته و هرچه در مسیر تکامل و تحول مطابق با دین و قوانین آن باشد، به همان میزان از آثار شگفت و عظیم آن بهره‌مند می‌شود- زیرا ایمان همانند هر امر معنوی دیگر دارای مراتب و درجات بسیاری است که هر چه از دیداد ایمان در شخص با اعمال صالح و زندگی بر مدار دین الهی قوی‌تر شود به همان میزان قرب او به خدا و بهره‌مندی از مقام قربان برایش فراهم‌تر می‌شود تا جایی که شخص به جایی می‌رسد که خودش مصداق «فروح و ریحان و جنت نعیم، پس روح و روح‌و‌روح» بهشت نعیم» است- برای امر باطنی و نفسانی از جمله ایمان نشانه‌ها و آثار از زندگی است که می‌توان از آنها به حقیقت شخصیت شخص و شاکه او پی برد- زیرا از نظر قرآن «کل یعمل علی شاکتته» هر کسی براساس شاکله شخصیت و ملکات هویتی خویش عمل می‌کند» بنابراین، مؤمنان و ایمان نیز در درجه ایمانی ایشان را می‌توان در ساحت روان‌شناسی شخصیت و روان‌شناسی رفتاری از جمله رفتار اجتماعی آنان به دست آورد.

نشانه‌های صداقت در ایمان

ایمان از ریشه «امن» به معنای امنیت، حالت نفسانی برخاسته از اطمینان و رهایی از ترس است. ایمان چنین حالتی را در نفس انسان مؤمن ایجاد می‌کند که خوف و حزن در او نیست و به اطمینان و امنیت در همه ابعاد و ساحت دست می‌یابد. از همین‌رو ایمان به غیب از محوری‌ترین و اساسی‌ترین آموزه‌های قرآن به‌شمار می‌رود؛ زیرا بدون ایمان به غیب به دارای شاه‌های بسیاری است نمی‌توان از امنیت برخوردار بود. چراکه قافدان ایمان به غیب، قافدان امنیت هستند و اصولاً از امنیت حقیقی در نفس خویش بهره‌ای نبرده‌اند. از همین‌رو همواره در نوعی خوف و حزن و انواع فشارهای نفسانی و روانی گرفتار هستند که می‌توان آن را در ساحت روان‌شناسی شخصیت و روان‌شناسی رفتاری به‌ویژه رفتار اجتماعی مشاهده کرد. حقیقت ایمان به غیب، در اقرار به خدا، معاد، فرشتگان، پیامبران، کتب آسمانی و مانند آنها است- که با اعتقاد قلبی همراه با تصدیق عملی در فلسفه و سبک زندگی مؤمنان خود را نشان می‌دهد. (بقره، آیات ۱ تا ۸ و ۲۵۵ و ۲۸۵، نساء، آیه ۱۲۶) خدا در بسیاری از آیات قرآن، وقتی از حقایق اصلی شریعت و آموزه‌های دین در فلسفه و سبک زندگی مؤمنان خود را نشان می‌دهد، (بقره، آیات ۱ تا ۸ و ۲۵۵ و ۲۸۵، نساء، آیه ۱۲۶) خدا در بسیاری از آیات قرآن، وقتی از حقایق اصلی شریعت و آموزه‌های دین در فلسفه و سبک زندگی مؤمنان به نمایش در می‌آید؛ چنان‌که درباره مسأله «هَیْ(تَبَکِی)» به این حقایق توجه داده است. (بقره، آیه ۱۷۷) بی‌گمان فلسفه و سبک زندگی مؤمنان با غیب‌مؤمنان در بسیاری از امور فرق می‌کند؛ زیرا زندگی دنیوی مؤمنان نظیر به زندگی اخروی و در راستای کسب سعادت اخروی به عنوان مقصد نهایی از زندگی دنیوی است؛ چنین تفاوت معناداری میان دو زندگی باید در همه ابعاد به ویژه سبک زندگی خود را نشان دهد؛ زیرا کسانی که مدعی ایمان به غیب در مقام فلسفی هستند، اگر نتوانند آن را در سبک زندگی خویش نشان دهند، اهل صداقت در قول و فعل نیستند و به عنوان منافقان از دایره ایمان و مؤمنان خارج می‌شوند.

بنابراین، کسانی که سبک زندگی خویش را بر خلاف دین و سنت‌ها و قوانین الهی قرار داده و بر خلاف آن رفتار و عمل می‌کنند، بیرون از دایره ایمان و مؤمنان هستند. اصولاً کسی که صادق در ایمان باشد، آثار و نشانه‌های آن را در ساحت گوناگون خودش را نشان می‌دهد که شامل موارد زیر است: احساس امنیت حتی در ساحت اجتماعی(انعام، آیه ۲۳، نور، آیه ۵۵)، احساس امنیت و رهایی از هرگونه ظلم (طه، آیه ۱۱۲) تباهی اعمال و کاستی آن(جن، آیه ۲۸)، ایجاد رهایی از نومیدی(بقره، آیه ۲۱۸؛ یوسف، آیه ۸۷)، ایجاد حالت رجا و امیدواری(همان)، رهایی از خوف و حزن در زندگی(بقره، آیات ۶۲ و ۲۷۷؛ آل‌عمران، آیه ۱۲۹)، تحقق بصیرت در نفس(اعراف، آیه ۲۰۳)، آسان‌گیری بر مؤمنان

شبهه: در قرآن آمده که ما انسان را بر بسیاری از موجودات برتری دادیم حال سؤال این است که مگر انسان مقام‌اشرف مخلوقات را دارا نیست پس **چطور در قرآن نکته‌تر به همه موجودات برتری دادیم، بلکه گفته بر بسیاری، آیا موجوداتی هستند که از انسان برتر باشند؟ پاسخ:** درباره اینکه انسان اشرف مخلوقات است یا ملائکه، بین فرقه‌های اسلامی اختلاف است. ۱) فرقه معتزله معتقد به اشرف بودن فرشتگان بودند.

ازجمله ادله آنها اینها ۲۰ سوره اسراء است: «وَ لَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِیْ اٰدَمَ وَ خَلَّصْنَاهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَفَعْنَاهُمْ فِی الْمَلٰٓئِکَةِ وَ اَوْعَدْنَاهُمْ اَلْجَنَّةَ الْکٰثِرَةَ فِی الْاَنْفَالِ وَ نَزَّلْنَاهُمْ مِنْ اَشْرَافِ الْمَلٰٓئِکَةِ عَلٰی کَیْثٍ مَّزٰنٍ خَلَقْنَاهُمْ نَفْسًا لِّیَمُنَّ بِهٖ فَرَزْنَاهُمْ اٰدَمَ کَرَامًا وَّ دَٰدِیْمَ وَّ اٰنٰنًا رَّ دَرْ خَشَکَیْ وَ دَرِیَا اَبْرَ مَر کَیْهَیْا وَ کَرَدَ اِخْتِیَارٰنَ کُلَّشُمٰنِیْ اَسْوَر کَرِیْمَ وَ بِهٖ اٰنٰنَ نَعْمَتِھَاۤیِ وَ پَکَیْزَہٗ رَوزِ یَغْشِیْھِمُ وَّ اٰنٰنًا رَّ بِرِ سَیْآرِیْ اَز اَفْرِیْدِھَاۤیِ خُود بَرْتِی کَلَامِیْ»

به باور معتزله اینکه عبادت خداوند نفرد؛ بنی آدم را به همه مخلوقات برتری دادیم، این است که فرشتگان از انسان‌ها برتر هستند؛ اما از آن جهت که انسان‌ها به شیوه معتقدان انسان‌اشرف مخلوقات است؛ البته مقصودشان از انسان تنها مؤمنان است چراکه کافران و انسان‌های ناپسلی نه‌تنها از ملائکه اشرف نیستند، بلکه می‌توانند «مجرم‌تر» از چهارپایان هم باشند.

آیا انسان‌ها از سایر مخلوقات افضل هستند؟
درباره این ۲۰سوره اسراء و اینکه چرا خداوند فرموده است ما انسان‌ها را بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم و نه همه آنها، شاهد تفاسیر و دیدگاه‌های مختلفی هستیم. ما نخست یکدیگر به مهم‌ترین تفاسیر و دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی مفسران اشاره می‌کنیم و در ادامه، دیدگاه علامه طباطبائی را م‌تذکر می‌شویم.
حسن ختام این نوشته نیز حدیثی از امیرالمؤمنین(ع) خواهد بود.

تفسیر را می‌توان در دو دسته کلا قرار داد:

۱. واژه «کثیر» در آیه به معنای «همه» نیست.
بسیاری از مفسران معتقدند که واژه «کثیر» در این آیه در معنای حقیقی خودش یعنی «بسیاری» به کار رفته است. مطابق این قول، مخلوقات بر پنج قسم هستند: ۱. انس (انسان)، ۲. جن، ۳. ملک (فرشتگان)، ۴. حیوان و ۵. جدّاد (نسل‌های بی‌جان). انسان برتر است، چون دو ایمان و عبادت و فضیلت و برتری دارد؛ بنابراین، تنها ملک باقی می‌ماند که بر انسان برتر دارد و به خاطر همین، خداوند فرمود ما بنی آدم را بر بسیاری از مخلوقات و نه همه آنها برتری دادیم.

معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

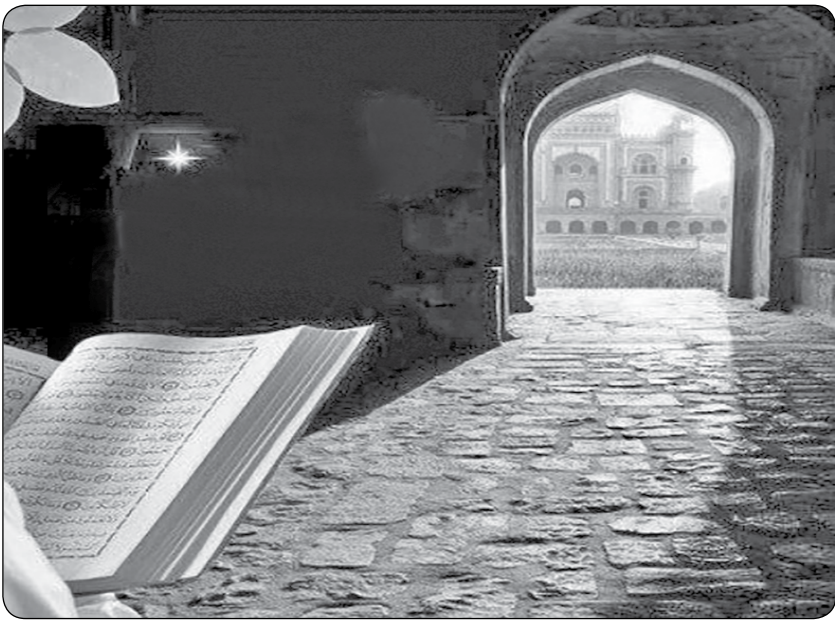
ایمان دارای درجات و شدت و ضعف در افراد است که قابلیت تشدید و ازدیاد را داراست. بر اساس آموزه‌های قرآنی، اموری در تشدید و ازدیاد ایمان نقش اساسی دارد که در یک کلمه می‌توان گفت که آن، عمل و زندگی بر اساس دین و سنت‌ها و قوانین الهی است.

هم‌کیش خویش(کهف، آیات ۸۸)، اجرای عدالت و شهادت نسبت به حق(نساء، آیه ۱۳۵، مائده، آیه ۸)، اصلاح جامعه با اقدام برای آشتی دادن میان افراد(انفال، آیه ۱)، اطاعت از خدا و پیامبر در عمل به احکام شریعت(انفال، آیه ۱) و نورو، آیات ۴۷ و ۵۱، احزاب، آیه ۳۶)، اجابت دعوت خدا و پیامبر(انفال، آیه ۲۴)، تسلیم کامل در برابر پیامبر(ص) و احکام فضا‌ی آن حضرت(نساء، آیه ۶۵)، گوش به فرمان در برابر پیامبر(نور، آیه ۵۱)، اقامه نماز(مائده، آیه ۵۵، انعام، آیه ۹۲، انفال، آیات ۳ و ۴)، انفاق مالی کردن(انفال، آیات ۳ و ۴)، پرداخت خمس از غنایم و منافع(انفال، آیه ۴۱)، توکل بر خدا(آل عمران، آیات ۱۲۲ و ۱۶۰)، پروا از خدا(آل عمران، آیات ۱۱۴ تا ۱۱۵، مائده، آیات ۳۵ و ۵۷ و ۸۸ و ۱۱۴)، رهایی از سستی در کارها(آل عمران، آیه ۱۳۹)، احساس غلو و برتری روحی و نفسانی بر کافران(همان)، استقامت در کارها و امور مبتنی بر ربوبیت الهی(فصلت، آیه ۳۰، احقاف،

چنان‌که از نظر قرآن، زندگی بر مدار تقوای الهی که برخاسته از ایمان است، موجب تشدید متقابل ایمان و تقوا می‌شود؛ به طوری که هرچه ایمان تقویت شود، تقوا نیز افزون می‌شود و با افزایش تقوا، ایمان نیز ازدیاد می‌یابد(مائده، آیه ۹۲).

آثار ایمان در زندگی

همان‌گونه که مراتب ایمان دارای درجات در شدت و ضعف است، آثار آن نیز فرق دارد، با این همه هر کات و آثار برای اصل ایمان است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آرامش در دنیا و آخرت(یونس، آیات ۶۲ و ۶۳، مائده، آیه ۶۹)، آسایش و رفاه دنیوی(یونس، آیه ۹۸، صفات، آیه ۱۸)، مغفرت الهی(بقره، آیه ۲۱۸)، رحمت رحیمی(همان)، اجابت دعا و خواسته‌ها از سوی خدا(شوری، آیات ۷۵ و ۷۸)، بهره‌مندی از عقابیت فطری و رهایی از جهالت و سفاهت عقلی(هود، آیات ۲۵ تا ۲۹) و مانند آنها موجب تحقق ایمان است؛ در مقابل، اضداد این امور و نیز



اموری چون: بینش اشرافی(شعراء، آیه ۱۱۱)، تاثیرپذیری از تبلیغات نادرست و سوء(سباء، آیات ۲۱ تا ۲۳)، نادانی(علی، آیه ۱۰)، حجاب معنوی(یس، آیات ۹ و ۱۰)، حسادت(نساء، آیات ۵۱ تا ۵۴)، حس گرایی محض به دور از عقابیت(بقره، آیه ۵۵)، خودباختگی(انعام، آیات ۱۲ و ۲۰)، فسق و تهیکاری(یونس، آیه ۲۳)، لجاجت و کین‌پذیری(بقره، آیات ۶ و ۷۵)، جرم‌گرایی(شعراء، آیات ۹۹ تا ۱۰۳)، واروئگی قلب(انعام، آیه ۱۱۰)، هواسریتی(طه، آیات ۱۵ و ۱۶)، مهر شدن قلب و گورلدی(بقره، آیات ۶ و ۷، نساء، آیه ۱۵۵، اعراف، آیه ۱۰۱، یونس، آیه ۷۴) و مانند آنها مانع تحقق ایمان است.

هر چه خشیت علمی انسان نسبت به جلال و اکرام الهی بیشتر شود به همان میزان ازدیاد ایمان تحقق می‌یابد، چنان‌که از نظر قرآن، زندگی بر مدار تقوای الهی که برخاسته از ایمان است، موجب تشدید متقابل ایمان و تقوا می‌شود؛ به طوری که هر چه ایمان تقویت شود، تقوا نیز افزون می‌شود و با افزایش تقوا، ایمان نیز ازدیاد می‌یابد.

قالب اموری چون امر به معروف و نهی از منکر(غافر، آیات ۲۸ تا ۳۸)، شتاب و سبقت در کارهای خیر(مؤمن، آیه ۵۸ تا ۶۱)، تسلیم در برابر خدا و فرمان‌هایش(خوف، آیات ۶۹)، دوری از روحیه استکباری(سجده، آیه ۱۵)، تحمل اذیت و آزار دیدگان(تنبکبوت، آیات ۱ و ۱۱)، اجتناب از لغو(مؤمنون، آیات ۱ تا ۹)، موعظه‌پذیری(بقره، آیه ۲۳۲، هود، آیه ۱۲۰)، محافظت بر نماز(همان)، مراعات امانت(همان)، مراعات عهد و پیمان(همان)، مراعات حدود الهی در کلمجویی(همان)، محافظت از غفت و ابزارهای جنسی(همان) و مانند آنها که آنان را از دیگرانی به سوی آخرت‌گرایی سوق می‌دهد و آنان زندگی دنیوی را فدای زندگی اخروی می‌کنند نه برعکس؛ زیرا زندگی اخروی از هدف می‌انند و سعادت در آن را حقیقت سعادت می‌نامند و برای امر خیر و باقی تلاش می‌کنند(اعلی، آیات ۱۴ و ۱۷

عقل انسان بر شهوتش غالب شود، از فرشتگان برتر است؛ و اگر شهوتش بر عقلش چیره گردد، از حیوانات پست‌تر است»^(۱۰)

نتیجه:
هرچند انسان به جهت اصل خلقت و برخورداری از نعمت‌های همچون عقل بر موجوداتی همچون جن، حیوان و جاد برتری دارد اما ملائکه که عقل غلبه هستند از این جهت از بنی آدم برتر هستند.

وجه تمایز انسان با سایر موجودات این است که می‌تواند با اختیارش وضعیت و جایگاه خودش را تغییر دهد. انسان می‌تواند با پیروی از عقلی که خداوند به او اعطا کرده، غضب

حقیقت امر این است که ملائکه چه از جهت ذات (اصل آفرینش) و چه از جهت عملکرد، برتر از انسان هستند اما انسان می‌تواند تدریجاً رشد و تکامل پیدا کند و حتی از ملائکه نیز برتر شود. به باور علامه طباطبائی، سجده ملائکه بر حضرت آدم(ع) نیز نه به اعتبار تک‌تک مصداق انسان، بلکه به خاطر همین مقام کمال انسانی بوده است.

و شهوتش را کنترل کند و به‌مور برتر از همه فرشتگان حتی ملائکه مغرّب‌بشود و به مقام جایگاه «قلب قوسین» برسد»^(۱۱)
به خاطر همین، شیعیان اجماع دارند که پیامبران آدم(ع) فرشتگان و امامان برتر از پیامبران(ع) هستند؛ چنان‌که از سوی می‌تواند افسار عقل خود را به دست شهوت و غضبش بدهد در نتیجه، به مرحله‌ای از سقوط و تباهی برسد که حتی از چهارپایان نیز پست‌تر و مجرم‌تر بشود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. یغی، حسین، تفسیر معالم التنزیل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج۳، ص ۱۲۵. ۲. اعراف، آیه ۱۷۹، قرآن، آیه ۴۴. ۳. الطبری، سیدمحمدن، میزان، بیروت، دارالفکر، ج۲، ص ۷۳. ۴. للطبوعات، ج۱۳، ص ۱۲، ج۱، ص ۱۵۸-۱۶۰. ۴. سمرقندی، نصر، تفسیر بحرالموعود، بیروت، دارالفکر، ج۱۴۱۶، ص ۲، ج۲، ص ۳۲۱. ۵. احمد، الکنتف و الهی(نبویه)، بیروت، دار الکتب العربی، ج۱۲۲۲، ص ۱۱۴. ۶. عیسی، محمد، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة، ج۱۲۸، ص ۲، ج۲، ص ۳۰۲. ۷. طبری، جامع‌البیان، بیروت، دارالمعرفه، ج۱۴۱۲، ص ۱۵، ج۲، ص ۱۵۵، طبرانی، سلیمان، التفسیر الکبیر، تفسیر القرآن، دارالعلم (طبرانی)، اردن، دار الکتب الافغانی، ج۲۰۰۸، ص ۴، ج۲، ص ۱۲۵. ۸. علی‌علیه عبدالحق، المحرر الوجیزی فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیزون، ج۱۴۲۲، ص ۲، ج۲، ص ۴۷۲. ۹. سید مرتضی‌علی‌اب‌دی‌علی، تفسیر الشریف المرتضی‌ المسمی به تفاسل التأییل، بیروت، مؤسسه الأعلمی للتحقیوت، ج۱۳۲۱، ص ۲، ج۲، ص ۳۹. ۱۰. مارتینی، محمد، تأویلات اهل السنه، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، ج۱۲۴۶، ص ۲، ج۲، ص ۸۷. ۱۰. الکشف و البیان، ج۲، ص ۱۱۴. ۱۱. الامیران، ج۱۳، ص ۱۵۸-۱۶۰. ۱۲. ج۱، ص ۶۰۱. عبدالرحمن: زادالمسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی، ج۱۴۲۲، ص ۲، ج۲، ص ۴۰. ۱۲. یغی، تفسیر معالم التنزیل، ج۳، ص ۱۲۵. ۱۴. تفاسل التأییل، ج۳، ص ۴۰ و ۴۱؛ طبری، جامع‌البیان، تهران، ناصرخسرو، ج۱۳۷۲، ص ۲، ج۲، ص ۶۶۲. ۱۵. زمخشری، محمود، الکشف، بیروت، دار الکتب العربی، ج۱۴۰۷، ص ۲، ج۲، ص ۶۸۲؛ ابو بوحان، محمد، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دارالفکر، ج۱۳۲۰، ص ۷۳، ج۲، ص ۱۱۴. ۱۶. طبرانی، میزان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص ۱۶۰. ۱۶. ابی‌بده، آیه ۲۷، تخریج، ص ۶. ۱۷. طباطبائی، میزان، ج۱۳، ص ۱۶۰-۱۶۵. ۱۸. شیخ محمد(ابن‌نبویه)، بیروت، دار الشرائع، قم، کتابفروشی داری، ج۱۳۸۵، ش ۱۰، ص ۵. باب الله العالی من الجلیا صافی التلس من حیوین من الملائکه و صافی فیهم من هو شر من الملائه. ۱۹. نجم، آیه ۹.

هادی غلام‌زبانی

صفحه ۷

سه‌شنبه اول مهر ۱۴۰۴

۳۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۹۶۰

چراغ راه

نجات از هلاکت

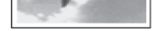
با اندیشیدن در عواقب امور

قال الامام علی(ع): **من نظر فی العواقب سلم من النوائب، من فکر فی العواقب امن المعاطب.**

امام علی(ع) فرمود: هر کس در عواقب امور بنگرد، از گرفتاری‌ها در سلامت ماند، هر کس در عواقب امور بیندیشد از مایه‌کها در امان ماند.^(۱)

۱- غررالحرام، ج ۸۰۹- ۸۵۴

حکایت خوبان



لزوم مبارزه قدرتمندانه با دشمنان

در پشت مرزها

امام علی(ع) می‌فرماید: «سگوئند به خدا هرگز با قومی در میان خاتمشان جنگ نشده‌مگر آنکه ذلیل و مغلوب گشته‌اند.»^(۱) در کلامی دیگر آن حضرت می‌فرماید: هرگز آدم‌زبون نمی‌تواند با ظلم مبارزه کند و جلوی ظلم را بگیرد، و هرگز به حق نمی‌توان رسید مگر با جدیت و کوشش.^(۲) همچنین امام علی(ع) می‌فرماید: «سنگ را به همان سمتی که از آنجا پرتاب شده است برگردانید، زیرا بدی، جز با بدی دفع نمی‌شود.»^(۳)

۱- نهج‌البلاغه- خطبه ۲۷
۲- همان- خطبه ۲۹
۳- همان- حکمت ۳۱۴

پرسش و پاسخ

ابعاد و شیوه‌های جنگ نرم (۱)

پرسش:

جنگ نرم در چه ابعاد و گستره‌ای و با چه شیوه‌ها و روش‌هایی در جبهه مقابل به کار گرفته می‌شود؟

پاسخ:
ابعاد و شیوه‌های جنگ نرم در محورهای چهارگانه:
۱- حیطه شناختی، معرفتی و اعتقادی
۲- حیطه اخلاقی و اجتماعی
۳- حیطه اقتصادی
۴- حیطه سیاسی
(الف) بعد شناختی، معرفتی و اعتقادی

مهم‌ترین محوری که دشمنان اسلام در جنگ نرم روی آن تمرکز می‌کنند، بعد شناختی و معرفتی و عقاید و آرمان‌های دینی است، زیرا مؤلفه‌های شناختی و معرفتی و اعتقادی یک ملت، زیرساخت همه معارف، باورها و آرمان‌ها و رفتارهای آنها را شکل می‌دهد. امام علی(ع) می‌فرماید: «لعلهم اصل کل خیر و الجهل اصل کل شر» علم و دانش اصل و ریشه هر خوبی است و جهل و نادانی اصل و ریشه هر بدی است. (غررالحکم و دررالکلم، آمدی، ج ۱، ص ۲۰۵)

دلیل دیگر اهمیت محور شناختی و معرفتی و اعتقادی در جنگ نرم آن است که ملتی که دچار آسیب و تردید در باورها، شناخت‌ها و اعتقادات دینی خود می‌شود، در واقع عزت نفس، خودباوری، استقلال و ثبات شخصیتی خویش را از دست می‌دهد و همچون خس و خاشاک، دستمایه توطئه‌ها و خواسته‌های شیطانی دشمنان می‌شوند و با هر بادی به آن سو می‌ماند. «همیلون مع کل ریح» قرآن کریم هم درباره توصیف منافقینی که خود گرفتار جنگ نرم اعتقادی کارفران شده‌اند، می‌فرماید: «مُذَبِّحِینَ بَیْنَ ذٰلِکَ اِلٰی هٰؤُلَآءِ وَ اِلٰی هٰؤُلَآءِ» مردود و دودل هستند، نه به سوی مؤمنان می‌روند نه به سوی کافران. (نساء- ۱۴۳) بنابراین در این عرصه دشمنان با روش‌های گوناگونی همچون: ۱- القای شبهه و تردیدافکنی
۲- کتمان و تحریف حقایق
۳- ترویج خرافات و باورهای باطل
۴- فریب‌زایی، وارد جنگ نرم می‌شوند. اینک به نحو اجمال این روش‌های چهارگانه را توضیح می‌دهیم:

۱- القای شبهه و تردیدافکنی

شیوه تردیدافکنی و شبهه‌پراکنی کارآمدترین شیوه جنگ نرم در حوزه شناختی و اعتقادی است که در دوران‌های گوناگون تاریخ بشر علیه جبهه حق از سوی حاکمان ظالم و ستمگر به کار رفته است.

امام علی(ع) در وصف منافقانی که عاملان جنگ نرم دشمن شده‌اند، می‌فرماید: «یفولون فیشتبهون و یصفون فیموهون» سخن می‌گویند اما به تردید و اشتباه می‌اندازند، وصف می‌کنند اما توهم زده و فریب می‌دهند.(نهج‌البلاغه- خطبه۱۴۹)

۲- کتمان و تحریف حقایق

کتمان، تحریف و سانسور حقایق یکی دیگر از شیوه‌های جنگ نرم دشمنان در مسائل شناختی و اعتقادی است. کسانی که به مقاصد نهضت‌ها و انقلاب‌های مردمی اقدام می‌کنند، بیشتر با روش کتمان و تحریف حقایق وارد عمل می‌شوند و فرهنگ مغایر با آن را جایگزین می‌نمایند. قرآن کریم بیشترین نقش کتمان و تحریف حقایق را به ناشنیدنان اهل کتاب به‌ویژه یهود نسبت می‌دهد. آنها از طریق کتاب‌های آسمانی خود به حقایق اسلام آشنا بودند، ولی برای پیشگیری از رشد آن حقایق را تحریف و کتمان می‌کردند و پس از رحلت پیامبراکرم(ص) نیز همین شیوه‌ها را پی گرفتند و به خدمت حاکمان ستمگر درآمدند و با شیوه تحریف و کتمان حقایق، مردم را از اسلام ناب دور کردند. قرآن کریم در وصف آنها می‌فرماید: «کسانی که کتمان